

بهبزاد عشقی

کهن الگوهای سینمای ایران



مؤسسه انتشارات نگاه

تأسیس: ۱۳۵۲

فهرست

- ۷..... قهرمان ایرانی
- ۸..... سفر قهرمان
- ۹..... تولد قهرمان
- ۱۰..... دوران پیشاقهرمانی
- ۱۳..... فردین: قهرمان آشتی و سرخوشی
- ۱۹..... بهروز وثوقی: قهرمان انتقام جویی
- ۲۴..... میراث قیصر و قهرمان های پسانقلاب
- ۲۶..... جمشید هاشم پور: قهرمان جنگجویی
- ۲۹..... ابوالفضل پورعرب: قهرمان سرکشی
- ۳۱..... سینمای اصلاحات و خروج از استبداد مردانه
- ۳۲..... ترازوی عدالت و الهگان انتقام
- ۳۳..... مده‌آی ایرانی و قهرمان سازی زنانه
- ۳۷..... مرگ قهرمان و دوران پسااصلاحات
- ۳۹..... پدر سنگدل و اسطورهٔ فرزندکشی
- ۴۵..... خروش قیصر و سقوط قارون
- ۴۷..... پدر سنگدل و دوران جنگ

قهرمان

قهرمان ایرانی

تاریخ سینمای ایران به تعبیری تاریخ تیپ‌های تکرارشونده‌ای است که در فیلم‌های مختلف تکثیر می‌شوند و معمولاً متأثر از تحولات اجتماعی تغییر چهره می‌دهند و در مواردی نیز از قطب مثبت داستان به قطب منفی می‌کوچند. از دید یونگ، کهن‌الگوها تمایل کلی ذهن برای تولید اندیشه‌های مشابه و یکسان است، گنجینه‌ای از سنت‌های دیرینه است که در ناخودآگاه جمعی هر ملتی جمع می‌شود و در قالب تصاویر و انگاره‌ها و چهره‌های مثالی به جلوه درمی‌آید. کهن‌الگوها قدرت و مانایی بسیاری دارند و سرشار از معانی متنوع‌اند و بر کنش‌های جمعی افراد تأثیر می‌گذارند. این الگوها گاهی در اشکال نقاشی و معماری و صنایع دستی، گاهی در شکل ریاضی و هندسی، گاهی هم در قالب چهره‌هایی همچون پیردانا، سایه، مادر، مکار، زن اهریمنی، موعود و بسیاری دیگر، پدیدار می‌شوند؛ چهره‌هایی که ریشه در باورهای دیرینه اقوام دارند و قرون و اعصار را درمی‌نوردند و بازمان کنونی وارد مکالمه می‌شوند و تا حدود زیادی بر

باورهای امروزی تأثیر می‌گذارند. به این اعتبار از گذشته گریزی نیست و چه بخواهیم و چه نخواهیم، از الگوهای کهن میراث می‌بریم و آن را در شکل‌های جدیدتر باز تولید می‌کنیم. با این مقدمه به سراغ تیپ‌های تکرارشونده در سینمای ایران می‌رویم و این داستان را نخست با تیپ قهرمان آغاز می‌کنیم.

سفر قهرمان

قهرمان به کسی می‌گویند که از هستی فردی خود بگذرد و خود را فدای جمع کند، همچون چوپانی که جان خود را فدای امنیت گله‌اش می‌کند. از دید فروید، قهرمان بودن نوعی تولد از مادر و خطر کردن و رسیدن به استقلال و متمایز شدن از افراد معمولی است. به همین دلیل در بسیاری از قصه‌های اساطیری، زندگی قهرمان با یک سفر آغاز می‌شود. رستم در اساطیر ایرانی با رخش خود از هفت خوان می‌گذرد، با شیر غران می‌جنگد، در مقابل تشنگی و گرسنگی مقاومت می‌کند، جادوگر و دیوسفید و اژدهای هفت سر و... را از پای درمی‌آورد. اولیس در اساطیر یونانی پس از ازدواج با پنه‌لویه به سفری دورودراز می‌رود، با غول‌های یک چشم و افسونگران بدطینت و درندگان خطرناک می‌جنگد، از طوفان‌ها و سیلاب‌ها می‌گذرد، آن‌گاه با تجربه تازه‌ای به سرزمین خود ایتاکا بازمی‌گردد. ادیپ شهریار نیز کمابیش همین سرنوشت را داشته است و زندگی‌اش با سفری ناخواسته آغاز می‌شود. لائوس پادشاه شهر تب، از همسرش یوکاسته صاحب پسری می‌شود که نامش را ادیپ می‌گذارند. پیشگویان می‌گویند که این پسر سرنوشت شومی خواهد داشت و پدرش را خواهد کشت و با مادرش ازدواج خواهد کرد. لائوس و بعدها ادیپ، هرکدام به شکلی می‌کوشند که از این سرنوشت شوم فرار کنند و سرانجام